

بازنمایی گوی و چوگان در ابیات شعرا (فردوسی، حافظ، نظامی و جامی)

محمدابراهیم رزاقی^۱، قاسم مهربابی^{۲*}، طهمورث نورایی^۳

۱. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزش دانشگاه تهران، تهران

۲. دانشجوی دکتری، مدیریت ورزش دانشگاه تهران، تهران

۳. استادیار، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی - دانشگاه باهنر کرمان، کرمان

دریافت: (۹۴/۰۶/۰۴) پذیرش: (۹۴/۰۸/۲۸)

Representation pole in Literature poets Ferdowsi, Hafez, Nezami and Jami

Mohamad Ebrahim Razaghi¹, Ghassem Mehrabi^{2*}, Tahmores Noorae³

1. PHD student of Sport management, Tehran

2. PHD student of Sport management, Tehran University

3. Professor of Bahonar Kerman University

Received: (2015/08/26) Accepted: (2015/11/19)

Abstract

This purpose of the present paper was representing the myth of pole in the literature poets Ferdowsi, Hafez, Nezami and Jami. Research method was a content analysis with a historical, analytical approach to gathering data used document library. Research populations were collection of poems by Ferdowsi, Hafez, Nezami and Jami books. According to the constituencies at first prepared a coding paper and then count words of the pole and analysis by three poem experts. The result showed, most poem of in Shahnameh Ferdowsi relates pole and baharestan Jami at least repeats these words. The interpret of Shahnameh, pole means something to replace the war and teamwork, in divan Hafez means love, in hkosrow & shirain Nezami means select wife & love and in baharestan Jami means respect to the king.

Keywords: Ferdowsi, Hafez, Jami, Nezami, Pole.

چکیده

این پژوهش با هدف بازنمایی گوی و چوگان در ابیات شعرا (فردوسی، حافظ، نظامی و جامی) انجام گرفت. پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوا، با رویکرد تاریخی - تحلیلی بود و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از اسناد کتابخانه‌ای مراکز اطلاع‌رسانی و مراجعه به مقالات معتبر استفاده شد. جامعه آماری تحقیق را مجموعه کامل اشعار شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، خسرو و شیرین نظامی و بهارستان جامی بود که بصورت کل شمار جستجو، مشاهده و مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به حوزه انتخابی در ابتدا برگه کدگذاری تهیه شد و براساس آن به ترتیب واژه‌های گوی و چوگان شمارش و اشعار مربوطه توسط سه متخصص ادبی تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد، واژه‌های گوی و چوگان در اشعار شاهنامه فردوسی بیشترین و بهارستان جامی کمترین تکرار را داشت، در تفسیر اشعار می‌توان گفت، شاهنامه گوی و چوگان را جایگزین جنگ و کار تیمی، دیوان حافظ در تفسیر عشق، در خسرو و شیرین نظامی به تعبیر عشق و انتخاب همسر و در بهارستان جامی در عوض احترام به شاهان به کار برده است.

واژگان کلیدی: فردوسی، حافظ، جامی، نظامی، چوگان.

*Corresponding Author: Ghassem Mehrabi

E-mail: gh.mehrabii@ut.ac.ir

*نویسنده مسئول: قاسم مهربابی

پست الکترونیک: gh.mehrabii@ut.ac.ir

مقدمه

ایران و یونان قرن‌ها پیش از میلاد مسیح دارای فرهنگ درخشانی بوده‌اند ولی مقایسه این دو کشور به خوبی نشان می‌دهد که ایران دارای قدمت دیرینه‌تری از یونان در فرهنگ و ورزش است. گرچه بسیاری از آثار فرهنگی و ورزشی ایران بر اثر حملات و تجاوزات کشورهای مختلف از بین رفته‌اند، اما آثار فرهنگی و ورزشی ارزشمندی که تاکنون در نقاط گوناگون ایران به دست آمده‌اند، نشان‌دهنده عظمت فرهنگ و ورزش در ایران باستان هستند.

با توجه به نوشته‌های مورخان و آثاری که تاکنون از ورزش‌های ایرانی در دوره باستان به دست آمده، مسلم شده است که ورزش‌های اسب سواری، اربانه‌رانی، تیراندازی، شمشیربازی، کشتی، پرتاب نیزه، ژیمناستیک، مُشت زنی و به‌ویژه چوگان و هاکی در ایران تاریخی بیش از سه هزار سال دارند (بیژن، ۱۳۵۰). بزرگ‌ترین مورخ تاریخ ورزش جهان، پرفسور دیم، بنیان‌گذار و رئیس دانشگاه ورزش آلمان در کتب تاریخی مختلف خود از جمله تاریخ ورزش جهان و بازی‌های با اسب در آسیا، از ایرانیان به عنوان ملتی یاد می‌کند که اسب را برای انجام مسابقات اسب سواری، اربانه‌رانی، و چوگان، که ابتدا روی زمین بازی می‌شده (هاکی)، تربیت می‌کرده‌اند. او در کتاب تاریخ ورزش جهان به صراحت اشاره کرده است که ایرانیان نخستین ملتی هستند که سنگ بنای چوگان را به‌عنوان قدیمی‌ترین بازی گروهی (تیمی) گذاشته‌اند و پس از انتقال آن به اروپا نمونه‌ای بوده که براساس آن سایر بازی‌های گروهی شکل گرفته‌اند. او در کتاب خود می‌نویسد «گرچه چوگان در ایران ورزش سلاطین و خاندان آنها بوده ولی می‌توان آن را سلطان بازی‌ها نامید» (دیم، ۱۳۸۵).

در کتب تاریخی آمده است، پس از آنکه اسکندر در یونان به قدرت رسید از کشورهای مختلفی که تابع ایران بودند خواست تا از پرداخت خراج به دولت مرکزی ایران خودداری کنند. دارا (داریوش سوم) پس از شنیدن این خبر دستور داد که یک توپ و یک چوب بازی چوگان (راکت) از استخوان بسازند و سپس آنها را با پیام «گرچه از بازی با این راکت و توپ اطلاعی نداری ولی بهتر می‌توانی با آنها بازی کنی تا در اجرای فرمانی که داده‌ام» برای اسکندر فرستاد (پوربیضایی کاشانی، ۱۳۸۲). ارسال چوگان و توپ از طرف پادشاه ایران، نشان‌دهنده این واقعیت است که در ایران باستان برای بازی با توپ (چوگان و هاکی) ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. مورخان از یک کتاب قدیمی ایرانی بنام «دستور چوگان برای پادشاهان»، یاد

کرده‌اند که فصلی در آن برای بیان مقررات و تشریفات بازی و دستورهایی هم برای خود بازی دارد که چگونه ورزشکاران چوگان به‌دست گیرند و اسب برانند (جاوید، ۱۳۸۵). در آثار جهانگردهای خارجی که به ایران سفر نموده‌اند اشاره شده که مسابقات هاکی و چوگان در محلی به نام «میدان» انجام می‌گرفته است (سایکس سرپسی، ۱۳۳۶). همچنین در متون تاریخی آمده است، اردشیر بابکان و پسرش شاپور در چوگان بازی مهارت زیادی داشته و سرآمد بودند (خوشکام، ۱۳۸۰). این بازی پس از آن که سال‌ها در ایران رایج بود از غرب به روم و مصر و از شرق به هند، و چین و ژاپن راه پیدا کرد و در هر سرزمین مورد پسند درباریان و سربازان واقع شد به گونه‌ای که «در چین باستان چوگان را نه تنها بر پشت اسب بلکه با استفاده از قاطر و الاغ نیز انجام می‌دادند». در هندوستان نیز بازی چوگان از ورزش‌های محبوب پادشاهان، به‌ویژه سلسله گورکانیان (مغولان هند) بود (احمد شهید، ۲۰۱۴). در بارگاه اکبر شاه گورکانی همواره چندین تیم چوگان بودند که میان آنها به‌طور منظم مسابقاتی برگزار می‌شد (آذرتاش، ۱۳۷۵: ۴۶). تاریخ‌نویسان نوشته‌اند که اکبر شاه چنان مهارتی در بازی چوگان داشت که می‌توانست گوی را در هوا بزند (فتحی، ۱۳۷۱).

در دوره اسلامی به محض این که خلفای عباسی با همکاری ایرانیان روی کار آمدند، ایرانیان بازی چوگان را مانند سایر رسوم قدیم ایران در دربار خلفا رواج دادند. حتی اشاره شده که هارون‌الرشید تمایلی شدید به بازی چوگان داشت ولی از بس فریه و کوتاه‌قد بود نمی‌توانست از روی اسب، چوگان خود را به گوی بزند (ایزدی، کوزه چیان، ۱۳۸۵). در تمام ادوار تاریخ ایران، بازی چوگان مورد توجه مردم و به ویژه امرا و پادشاهان بوده، و در کتاب‌های تاریخی و تعلیمی از روند بازی و نحوه اجرای آن سخن به میان آمده است (مولادوست، ۱۳۹۲). بعد از این که عبدالملک امیر سامانی در حین بازی از اسب افتاد و جان باخت، سلاطین و بزرگان احتیاط زیادی به خرج دادند. از این رو است که عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر در کتاب قابوس‌نامه خود، باب نوزدهم را به چوگان اختصاص داده و از مخاطره‌های این بازی یاد کرده است (عنصرالمعالی، ۱۳۳۵). گفته می‌شود که شاه عباس میدان شاه (نقش جهان) را در اصفهان به خاطر انجام بازی‌های گوناگون از جمله چوگان ساخت و در آنجا قهرمانان مسابقه، مورد تفریح و دلجویی شاه

تیراندازی، پیروزی و شکست منوط به یک نفر نیست، بلکه گروه و تیم در غالب و مغلوب بودن، سهیم هستند (بهرامی پور، ۱۳۹۳). مرور پیشینه نشان می‌دهد، اصل ورزش چوگان از ایران است و این بازی چنان با ادبیات و فرهنگ و تاریخ ایران در آمیخته که به شعرها، ضرب‌المثل‌ها، نگارگری، حجاری‌ها، قالی‌ها، و غیره راه یافته و نشان‌دهنده اهمیت علاقه عظیم ایرانیان به این بازی بوده است (انصاری، ۱۳۹۳). تربیت‌بدنی و ورزش همواره در تاریخ ایران بخش مهمی از تعلیم و تربیت و میراث فرهنگی را تشکیل داده است که انتقال آن به نسل جدید نیز یک رسالت تربیتی محسوب می‌شود (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۳).

علاوه بر این که، قهرمان و پهلوان ورزشی به عنوان محور و مرکز همه فعالیت‌های ورزشی و هدف اصلی تربیت‌بدنی و ورزش به‌شمار می‌روند، معرفی و بررسی خواستگاه رشته‌های ورزشی نیز از پذیرش و مقبولیت زیادی در بین کودکان، نوجوانان و جوانان برخوردار است و زمینه‌گرایی بیشتر آنها به ورزش را فراهم می‌نماید. همچنین، سرآمد و الگوی یک نظام تربیتی و نمادی برای هویت ملی و اجتماعی محسوب می‌شود (فراهانی، شهرکی، ۱۳۸۵).

در آثار ادبی و به‌ویژه آثار حماسی، ویژگی‌های جسمانی و رزمی پهلوانان بیشتر به نمایش گذاشته شده و مورد بازنمایی قرار گرفته است. برای بررسی ویژگی‌های جسمانی و رزمی، آثار حماسی به دلیل ارزش‌های قومی و ملی، بهترین منبع تحقیق هستند. زیرا در این آثار به دلوری‌ها، پهلوانی‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌های قهرمانان اشاره می‌شود که جایگاه ویژه‌ای در تاریخ هر ملت داشته است (مدنی، ۱۳۷۲). در بررسی‌های گذشته از بین آثار ایرانی، شاهنامه فردوسی به لحاظ برخورداری از اسامی، صفات و ویژگی‌های مختلف جسمانی و رزمی قهرمانان جایگاه ویژه داشته و این ویژگی‌ها را به راحتی می‌توان در رویدادها، کردارها، نمادها و کنش‌های بسیاری از قهرمانان در داستان‌های شاهنامه مشاهده کرد (خوشکام، ۱۳۸۰). رضائی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۵) بر این باورند که در سایر کتاب‌های مربوط به تعلیم و تربیت، تاریخ و یا فرهنگ ایران باستان نیز می‌توان آثار ورزش، تربیت‌بدنی و ویژگی‌های جسمانی و رزمی قهرمانان را مشاهده کرد. لذا هدف تحقیق حاضر تحلیل توصیفی واژه‌های گوی و چوگان در مجموعه اشعار شاهنامه فردوسی، دیوان حافظ، خسرو و شیرین نظامی و بهارستان جامی بود. به عبارت دیگر این مطالعه درصدد است میزان کاربرد واژه‌های گوی و چوگان و قصد و هدف شاعر از

قرار می‌گرفتند (حیدری، دولت‌شاه، ۱۳۹۱). آن قدر این ورزش در دوره صفویه مورد توجه بوده که چشم سیاحان خارجی را نیز خیره کرده بود و عده‌ای همچون شاردن^۱ و آنتونی شرلی^۲، چگونگی انجام بازی را وصف کرده‌اند (شاردن، ۱۳۳۵). چنان که بیان شد، چوگان بازی به وسیله مهاجران ایرانی در زمان حکمرانی گورکانیان هند و علاقه‌مندی شاهان این سلسله، از ایرانیان به هندوستان رفت و بعد از اینکه انگلیسی‌ها بر هند مسلط شدند، این ورزش بسیار مورد پسند افسران انگلیسی قرار گرفت و آن را فراگرفته و در بازگشت به کشور خود آن را رواج دادند تا جایی که در سال ۱۸۶۹ میلادی اولین مسابقه رسمی چوگان بازی در انگلستان انجام شد و در آمریکا نیز در سال ۱۸۷۶ میلادی این امر اتفاق افتاد (مصاحب، ۱۳۸۰).

در منابع تاریخی اروپائیان درباره این دو بازی چوگان و هاکی آمده که بازی چوگان به وسیله افسران فرانسوی در طول جنگ‌های صلیبی از قسطنطنیه به اروپا منتقل شده و بازی هاکی بعد از حمله اعراب به ایران به وسیله مهاجران زردشتی به هندوستان منتقل و از این کشور توسط اروپائیان به اروپا منتقل شده و در کشورهای اروپایی رواج یافته است (معتدی، مهدی نژاد، ۱۳۸۷).

براساس کتاب قابوس‌نامه در قرن پنجم هجری قمری، تعداد بازیکنان دو تیم مقابل هم کلاً هشت نفر تعیین شده که دو نفر دروازه‌بن هستند و شش نفر در وسط میدان گوی می‌زنند (عنصرالمعالی، ۱۳۳۵). علاوه بر بازیکنان اصلی همواره عده‌ای غلام، گوی و چوگان‌های اضافی بازیکنان را حمل می‌کردند و اسب‌های زین کرده^۳ یدک را در کنار میدان نگاه می‌داشتند (ابراهیم پور، ۱۳۵۳). کودکان بازی چوگان را به شیوه پیاده انجام می‌داده‌اند و شاهنامه، هفت سالگی را بهترین زمان برای آموزش چوگان ذکر کرده است. داستانی که فردوسی می‌آورد به این گونه است: روزی به اردشیر بابکان خبر دادند که وی صاحب پسری هفت ساله از دختر اردوان پنجم است. اردشیر برای شناخت پسر خود که در خفا نگهداری و تربیت شده بود، دستور می‌دهد صد کودک با لباس مشابه و امکانات یکسان به بازی چوگان بپردازند تا دلیرترین و شجاع‌ترین آنها که پسرش (شاپور) باشد، شناخته شود (مدنی، ۱۳۷۲).

در این بازی، روح همکاری بازیکنان دخیل بوده و وحدت و انسجام گروهی در انجام بازی نقش به‌سزایی داشته است (موسوی، ۱۳۷۲). برخلاف دیگر بازی‌ها مثل اسب سواری و

1. Chardione
2. Sherley

حافظ، خسرو و شیرین نظامی گنجوی و بهارستان جامی بود که بصورت کل شمار جستجو، مشاهده و مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به حوزه انتخابی در ابتدا برگه کدگذاری تهیه شد و براساس آن واژه‌های ورزش، گوی و چوگان در چهار مجموعه شمارش و سپس مفاهیم مورد تفسیر و تعبیر قرار گرفت. یافته‌های کمی تحقیق با نرم افزار SPSS ۱۸ و یافته‌های کیفی توسط سه متخصص ادبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

واژه ورزش در ابیات شاهنامه در شرح آهنگ جنگ فریدون با ضحاک، رفتن بهرام به خانه بره‌ام، ویران کردن و آباد کردن برزویه، بخش کردن قلمرو پادشاهی نوشیروان، تاخت کردن سعد وقاص به سمت ایران و فرستاده شدن رستم فرخزاد برای جنگ با او توسط یزدگرد سوم وجود داشت که ابیات مورد نظر و شرح موضوعات آن در شکل ۱ آورده شده است.

به‌کارگیری این واژگان را در منابع فوق بررسی نماید. چون پهلوانان با چوگان بازی لیاقت و شایستگی رزمی خود را به اثبات می‌رساندند و قوای خود را به رخ حریف می‌کشیدند؛ در مواقع صلح و آرامش بهترین وسیله برای ورزشیده نگه داشتن افراد محسوب می‌شد.

روش شناسی

این پژوهش از نوع تحلیل محتوا با رویکرد تاریخی - تحلیلی بود و به منظور جمع‌آوری اطلاعات از اسناد کتابخانه‌ای مراکز اطلاع‌رسانی و مراجعه به مقالات معتبر استفاده شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از حوزه مربوطه از مجموعه گنجور استفاده شد. گنجور مجموعه‌ای تحت وب از آثار پارسی است ضمن مرور آثار شعرا به صورت تفکیک شده می‌توان، در بین آثار آنها نیز جستجو کرد. این مجموعه در حال حاضر به کمک نرم‌افزار مدیریت محتوای وردپرس کار می‌کند. با تفاسیر فوق جامعه آماری تحقیق، مجموعه کامل اشعار شاهنامه فردوسی، دیوان

شکل ۱. اشعار شاهنامه و شرح موضوعاتی که واژه ورزش در آن به کار رفته است

شما دیر مانید و خرم بودید
به رامش سوی ورزش خود شوید
شرح موضوع: آهنگ جنگ فریدون با ضحاک

که چندین بورزید مرد جهود
چو روزی نبودش ز ورزش چه سود
شرح موضوع: رفتن بهرام به خانه بره‌ام

بماندند پیران بی پای و پر
به سالی سه دیگر بیاراست ده
بشد آلت ورزش و ساز و بر
برآمد ز ورزش همه کام مه
شرح موضوع: ویران کردن و آباد کردن روزیه

ز گنج شهنشاہ برداشتی
به هنگام ورزش نبودی بجای
شرح موضوع: بخش شدن پادشاهی نوشیروان به چهار قسمت

نه جشن و نه رامش نه کوشش نه کام
همه چاره‌ی ورزش و ساز و دام
شرح موضوع: تاخت کردن سعد وقاص به ایران و فرستادن رستم فرخزاد توسط یزدگرد

شیرین نظامی گنجوی و بهارستان جامی واژه ورزش در تشریح هیچ موضوعی به کار نرفته است.

همانطور که شکل ۱ نشان می‌دهد، در شاهنامه فردوسی از واژه ورزش در ۵ مورد به منظور تشریح موضوعات متفاوتی به کار رفته است ولی در دیگر آثار مورد مطالعه دیوان حافظ، خسرو و

جدول ۱. تحلیل توصیفی واژه‌های گوی و چوگان در مجموعه اشعار

شاعر	فراوانی	درصد
فردوسی	۲۵	۱۴/۲۵
حافظ	۱۶	۹/۱۲
نظامی گنجوی	۱۲	۶/۸۴
جامی	۴	۲/۲۸
مجموع	۵۷	٪۱۰۰

همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، شاهنامه فردوسی با ۲۵ فراوانی و ۱۴/۲۵ درصد، دیوان حافظ با ۱۶ فراوانی و ۹/۱۲ درصد، خسرو و شیرین نظامی با ۱۲ فراوانی و ۶/۸۴ درصد و جامی با ۴ فراوانی و ۲/۲۸ درصد به ترتیب بیشترین تکرار را در استفاده از واژه گوی و چوگان داشته‌اند. اشعار دیوان حافظ، خسرو و شیرین نظامی و بهارستان جامی که در آن واژه گوی و چوگان به کار رفته است در شکل ۲ آورده شده است.

شکل ۲. اشعار و آثاری که در آن واژه گوی و چوگان به کار رفته است

ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان شدم فسانه به سر گشتگی چو گیسوی دوست	مضطرب حال مگردان من سرگردان را کشید در خم چوگان خویش چون گویم	اثر: دیوان حافظ
عشق بازی کار بازی نیست ای دل سر بیاز اگر نه در خم چوگان او رود سر من به چوگان خود چنان چالاک بودند	ورنه گوی عشق نتواند زد به چوگان هوس ز سر چه گویم و سر خود چه کار باز آید که گویی از چرخ گردون میر بودند	اثر: خسرو و شیرین نظامی
مرا بس بر سر میدان عشاق این سرافرازی چو سرها بر سر میدانت اندازند مشتاقان	که روزی پیش چوگان کنم چون گوی سربازی همه تن سر شوم چون گوی از شوق سر اندازی	اثر: بهارستان جامی

همانطور که شکل ۲ نشان می‌دهد، در دیوان حافظ، ۲ بیت، خسرو و شیرین نظامی، ۳ بیت و بهارستان جامی، ۲ بیت واژه‌های گوی و چوگان در معانی متفاوتی به کار رفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

چوگان ورزش سلحشوری است که با تلاش، کوشش، تاخت و تاز با اسب در یک میدانی وسیع بین دو گروه انجام می‌گرفت (موسوی، ۱۳۷۲). در نزد ایرانیان باستان چوگان بازی تنها جنبه سرگرمی یا تفریح، نداشته بلکه طرفین سعی می‌کردند بیشتر قدرت و نیروی پهلوانی و جنگاوری خود را به رخ همدیگر بکشند (جاوید، ۱۳۸۵). حتی در بعضی مواقع چوگان بازی بین دو گروه به صلح و آشتی و یا به جنگ منتهی می‌شد که داستان چوگان بازی سیاوش و گرسیوز نمونه بارز این موضوع

است (محمدی، فاضلی، ۱۳۸۵). چون این ورزش با تحرک فراوان همراه است، سعی می‌کردند از آن برای تقویت مهارت سوارکاران و افزایش روحیه جنگاوری آنها استفاده کنند. به نوعی می‌توان گفت که بازی چوگان برای آمادگی نظامی انجام می‌گرفته تا سربازان و جنگجویان در سواری و هنرهای رزمی، ورزیده شوند (بیژن، ۱۳۵۰). در منبع تاریخی از محمدبن منصور مبارکشاه در این باره آمده است: «فایده گوی پهنه انداختن و گرفتن آن است که دست در حرب روان شود و انگشتان بر پهنه تاودار شود و از بسیاری انداختن و برگرفتن گوی، دیدار تیز شود از نظر کردن به وقت چوگان زدن، چون گوی پرتابی آید، از آن حذر باید کرد و سنگ‌ها که از حصار آید از منجنیق و عراده و فلاخن، چون چشم مردم بر گوی پهنه انداختن خو کرده باشد، اندازه آمدن آن بدانند که کجا خواهد

است. پس از شاهنامه فردوسی و دیوان حافظ، بیشترین تکرار واژه‌های گوی و چوگان در منظومه خسرو و شیرین نظامی گنجوی جستجو شد. در تفسیر این ابیات می‌توان گفت، نظامی در این منظومه نگاه عاشقانه خسرو پرویز را که در دام دختری سوارکار و چوگان بازی ماهر بنام شیرین افتاده است را تشریح می‌کند. در نهایت کمترین تکرار واژه‌های گوی و چوگان در بهارستان جامی جستجو شد. اشعار جامی که از بزرگترین شعرای قرن نهم است و تقریباً از تمام سبک‌ها تقلید و الهام گرفته است، سخن سرای صوفی شاه زمان خود را با در نظر گرفتن بازی گوی و چوگان در میدان اینطور می‌ستاید. ای کاش که سر تا پای اندام من سر می‌شد تا مشتاقانه آن سرها را چون گوی جلوی چوگان تو می‌انداختم و با این سربازی در جهان سرافراز می‌شدم. در واقع، جامی نیز ارادت و ادب در مقابل شاه یا بزرگان و افتادگی را در تفسیر گوی و چوگان می‌داند.

به طوری کلی تفسیرهای گوناگون ادبیات ایران زمین سرچشمه موقعیت‌های دوران مختلف است؛ به طوری که شاهنامه به دنبال آموزش فعالیت‌های تیمی و جلوگیری از جنگ را در پیش دارد، اما حافظ و نظامی تفسیرشان عشق و نگاه معشوقانه است، البته حافظ عشق را از جنس معنوی می‌بیند، نزدیک شدن انسان به خداوند تفسیر گوی و چوگان است. معیار نظامی انتخاب چهره یک زن واقعی در تفسیر ورزش و مهارت وی در چوگان نشان داده می‌شود و جامی احترام را به مثابه انداختن یک گوی می‌داند. در این منظر می‌توان دید که دیدگاه‌های متفاوت نظرهای متفاوت را می‌سازند، این که ما در ورزش امروز می‌توانیم کار تیمی، پرهیز از خشونت، عشق به معبود، یافتن همسر زندگی و اخلاق، ادب و احترام را از چنین شاعرانی بیاموزیم و به کار ببندیم.

افتاد و از آن پرهیز تواند کرد و جز این اندر پهنه، سخن بسیار است؛ چون اندام نرم شدن و نظر تیز شدن و دست راست شدن و آنچه بدین ماند. اما اندازه گوی انداختن به پشت اسب و گرفتن آن که از فتراک بیندازی، به زانو بگیری. از زانو بیندازی برابر گوش اسب بگیری. اما چوگان زدن که استادان نهاده اند و فایده اندر آن، آن است که همه سلاح‌ها را شورش نهاده اند و شمشیر در نیام کردن و تیرانداختن را نشانه هدف و برجاس نهاده اند تا دست بر شمشیرکشیدن و در نیام کردن استخا شود» (آذرتاش، ۱۳۷۵). یافته‌های تحقیق نشان داد، بیشترین تکرار واژه‌های گوی و چوگان در شاهنامه فردوسی می‌باشد. در تفسیر این ابیات می‌توان گفت، فردوسی به جای جنگ و خونریزی افراد را به ورزش خصوصاً چوگان ترغیب می‌کند و ضربه زدن به گوی را به منظور تخلیه انرژی توصیه می‌کند. البته واژه‌های ورزش در شاهنامه بیشتر در مضمون زراعت بکار رفته است. شاهنامه کار تیمی و ورزش‌های تیمی را با چوگان آغاز نموده است و سرمنشع بازی‌های تیمی را در آن می‌داند چون یک گروه در مقابل گروهی دیگر به صف می‌ایستند. در ابعاد دیگر چوگان به عنوان یک هنر مطرح شده است و افراد غالباً به این هنر می‌بالیدند و اقتدار یک کشور، رشد و بالندگی آن در توسعه این ورزش نمود پیدا می‌کند. (مدنی، ۱۳۷۲).

بعد از شاهنامه فردوسی، بیشترین تکرار واژه‌های گوی و چوگان در دیوان حافظ می‌باشد. در تفسیر این ابیات می‌توان گفت، حافظ بیشتر برای مناسبات عاشقانه از واژه چوگان استفاده نموده و عاشق را به گوی تشبیه می‌کند که اسیر گیسوی پر پیچ و خم معشوق چوگان شده است. در ابعاد دیگر به برتری داشتن و پیش افتادن، به مبارزه برخاستن و هم‌اورد جویی، اقدام کردن و قدر فرصت‌ها را دانستن نیز اشاره شده

References

- [1] Ahmad Shahid, Sh (2014). The Development of Polo in Pakistan. *Journal of Research in Applied sciences*, 1(2), 28-34.
- [2] Ansari, MA (1393). Athletics is another way. *Journal of Educational Psychology*, 15, 9-15.
- [3] Azartash, A (1375). Polo Iranian style. *Journal of Academy*, 6, 43-59.
- [4] Bahrami Pour, B (1393). Athletic, cultural heritage and civilization of Iran. *Training of*

Physical Education, 15, 25-29.

- [5] Bijan, A. (1350). Garlic and training in ancient Iranian civilization (Avestai, madi & hAchaemeneshi). *Tehran, Press Ebnesina*, 274-287.
- [6] Chardin, Jean (1335). Explore a Chardin. Translated by Mohammad Abbasi. *Tehran, Press Amir Kabir*, 31-35.
- [7] Diem, C (1385). "The history of world sport". Join a sport Iran, Tehran, *National Olympic Committee*, first edition, pp. 410-

438.

- [8] Ebrahimpur, MT (1353). Polo. Tehran, *Iran's Bank Melli Publications*, 229-235.
- [9] Farahani, A., Shahraki, M (1385). Check local games Sistan and Baluchestan. Join a sport Iran, Tehran, *National Olympic Committee, first edition*, 136-178.
- [10] Fathi, H (1371). History and rules of sports. Tehran, *school publications*. 47-51.
- [11] Heydari, A, Dolatshah, N (1391). Effects of Sufism, generosity and Shia in Iran's ancient sport and gym). *research and motor behavior*, 2, 57-71.
- [12] izadi, B and Kvz-hchyan, H (1385). Cultural identity and social recognition polo. Tarykh-Namh and sport Iran (1), *the National Olympic Committee, first edition* ,317-333.
- [13] Javid, S (1385). Find the roots of the Olympics in Iran. Tarykh-Namh and sport Iran (1), *the National Olympic Committee, first edition* ,66-75.
- [14] Khoshkam, gh (1380). Occupation sports Persian prose in terms of size, features and effects to 5 century. Treatise Master of Physical Education, Tehran, *Islamic Azad University*, 159-171.
- [15] Madani, M S (1372). Sports and fitness tools in Shahnameh and cultural position and its people. Master's thesis in anthropology, Tehran, *Islamic Azad University*, 193-197.
- [16] Masaheb, GH (1380). Encyclopedia of Persian. *Tehran's Amir Kabir Publications*, Vol. I, 815-820.
- [17] Mohammadi, B, Fazel, A (1385). Loud Iranians polo. Iran Tarykh-Namh and Sports, *the National Olympic Committee*, first edition, 250-262.
- [18] Mo'tamedi, P., Mehdinejad. R (1387). History of Physical Education and Sport. Isfahan, *Isfahan University*, 32- 35.
- [19] Mousavi, M (1372). The importance of religion, livelihood, recreational hunting in the history of the archaeological evidence. Master's thesis, Tehran, *Tarbiat Modarres University*, 127-132.
- [20] Mvladvst, K (1392). Explain the development of practical solutions for polo. Proceedings of First Conference of Sports Management, *PNU Garmsar*, 556-549.
- [21] Onsor al moali Keikavus Ebne Eskandar (1335). A Qaboos. Amin Abdul Majid Badvi primitive effort, Tehran, *Press Ebnesina*, 93-116.
- [22] Pour Beyzaie Kashani, H (1382). Iranian ancient sport (new edition). *Press zoora*, 11-37.
- [23] Ramezaninejad, R, Nikoi, AR, Daneshmandi, H, Bahrami Pour, B (1385). Compare features, physical, and intellectual heroes in epic combat. Tarykh-Namh and sport Iran (1), *the National Olympic Committee*, first edition, 226-240.
- [24] Razzaghi, ME, Sotode, M, Afrash, M, Razzaghi, J (1393). Athletics and the moral lesson of the history of the rating perspective Professor Mahmoud fight al-Khwarizmi (Side P. But). *Management and physiology north*, 1, 39-48.
- [25] Sykes Srpsy, M (1336). Itinerary (ten thousand miles in Iran). Translated by Sadat Nori, Tehran, *Press Ebnesina*, 350-352.